

**Predigt am 16. Sonntag nach Trinitatis, 27.9.2020,
St. Johannis-Gemeinde Köln-Bonn-Aachen (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

2. Timotheus 1,7-10:

دوم تیموتائوس باب اول آیه ۷

۷ زیرا خدا روح جبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را.

جماعت عزیز ، "خدا روح ترس به ما نداد ، بلکه قدرت و عشق و تدبیر را به ما داد." این می تواند به عنوان الگویی برای زندگی یک مسیحی و کل جماعت مسیحی و کلیسا لحاظ گردد. در شرکت ها و سازمان ها ، در سخنرانی های مدیریتی ، این موضوع در سال های اخیر به یک ابزار مهم مدیریتی تبدیل شده است. آنها باید چارچوبی برای استراتژی ها ، اهداف و اقدامات عملیاتی تشکیل دهند. به این معنا ، این سخن پولس فراخوانی برای یک زندگی بدون ترس ، با اعتماد به نفس ، دوست داشتنی و هم سطح خواهد بود. در واقع ، چنین شیوه زندگی برای هر مسیحی و به طور کلی کلیسا هدفی بسیار ارزشمند خواهد بود ، که باید اقدامات روزمره را نیز در بر گیرد.

اول از همه ، چیزی بسیار متفاوتی که برای من مهم است: نه کلمات کلیدی ترس ، قدرت ، عشق و تدبیر ، بلکه فقط یک کلمه که در آنجا نوشته شده است: "خدا به ما داده است". اساس زندگی مسیحی ما و بنیان جامعه و کلیسا ، قطعنامه ها و برنامه های ما نیستند ، بلکه هدیه خداوند هستند. من این را بسیار مهم می دانم ، زیرا این موارد ضروری زندگی در دسترس ما نیستند: اعتماد ، عشق ، تفاهم ، سازش ، امید ، شجاعت ، اعتماد به نفس ، امنیت. ما نمی توانیم به سادگی این کارها را انجام دهیم یا آنها را به کار بندیم ، هرچند هم استراتژی ها و مفاهیم ما عالی باشد.

اما اکنون رسول به ما وعده می دهد: ((خدا به ما عطا کرده است.)) او توانا است : سازنده و خالق . و این دقیقاً درست است ، قبل از اینکه حتی بخواهیم یا بتوانیم کاری انجام دهیم . اینکه ما اصلاً در این مکان هستیم و ایمان داریم و در اینجا به واسطه ایمانمان جمع شده ایم ، همه ی اینها یک هدیه است و کاری نیست که می توانستیم خودمان به خودی خودی انجام دهیم و به دست آوریم: ما مخلوق شدیم ، روح دریافت کردیم ، متولد شدیم. قبلاً در شرح خلقت در آغاز کتاب مقدس آمده است: خداوند با روح خود در تلی از خاک دمید ، "و بنابراین انسان به موجودی زنده تبدیل شد" (پیدایش ۲: ۷). اینگونه انسان شدیم: خدا از روح خود به ما دمید . همه ما برای داشتن چیزی و یا حتی برای موجود بودن احتیاجی نیست که کاری انجام دهیم . ما افراد مستعدی هستیم - مستعد به واسطه روح خداوند . در تعمیم ما او از قدرت و از عشق خود به ما نیرو داد - خواه ما آن را آگاهانه درک و درونی کرده باشیم یا خیر. او ما را بدون قید و شرط پذیرفت. هر یکشنبه ، او فارغ از اینکه چه اتفاقی افتاده است ، آغازی تازه به ما می دهد. از این طریق او زمینه را برای ما ایجاد می کند تا زندگی خود را به عنوان یک مسیحی در کلیسا و جهان شکل دهیم.

اکنون دنیا ی امروز - به لطف خدا - متفاوت از زمان پولس و شاگردش تیموتائوس می باشد. در آن زمان ، مسیحیان توسط دولت تحت آزار و اذیت قرار می گرفتند. پولس که در زندان به سر می برد شهادت و مرگ را در جلوی چشمان خود می دید ، و او می دید که این سرنوشت برای تیموتائوس نیز نزدیک است. دیگر برای مسیحی بودن آزادی زیادی وجود نداشت . اما در جایی که قدرت آزادی کمتر می شود ، کلمات فشرده تر و مخفف تر می گردند . و این چنین است که این کلمات بوجود آمده اند: . به معنای واقعی کلمه ، او می گوید: خداوند روح ترس را به ما نداده است. روح ترس قطعاً از جانب خدا نیست ، بلکه از طرف دشمن اوست که می خواهد با تهدید به خشونت ، درد از دست دادن یا با مرگ ما را بترساند.

مسیحیان پارسی ما ، به عنوان مثال در کلن و دوسلدورف ، می توانند چیزهای زیادی در این باره بگویند. در آلمان - خدا را شکر - فضای آزاد قابل توجهی وجود دارد . با این وجود ، استوار نگه داشتن ایمان در زندگی روزمره و مخفی کردن خود به عنوان مسیحی برای ما همیشه دشوار بوده است. ما نمی خواهیم جلب توجه کنیم ، که آزرده خاطر نشویم - نه در انظار عمومی ، نه در محل کار و به خصوص در مورد ازدواج و خانواده. این خطر بزرگ وجود دارد که وقتی وعده غذایی خود را در غذاخوری یا رستوران می خوریم ، وقتی به مسائل مهم رسیدگی می کنیم یا آخر هفته ، به ویژه یکشنبه در خانواده برنامه ریزی می کنیم ، خود را تا حد

ممکن مخفی و غیر قابل شنود کنیم. بنابراین ما می توانیم خود را از ریشه و منابع اعتقادی خود جدا کنیم زیرا نمی خواهیم آزرده شویم.

با این حال خدا روح ترس ما را نداد. بلکه هدیه او روح قدرت است. من امروز بسیاری از موارد را در اینجا می بینم: کمک جهت سازماندهی و کنترل دقیق، گروه موسیقی، آواز و دعا و شادی مشترک بین همه، اما همچنین نیروهای مبارزه مداوم، صبر و استقامت، امید و تمایل به برقراری ارتباط. بدون این نیروها ما امروز اینجا با هم نمی توانستیم یک جا باشیم.

بنابراین این روح در واقع یک نیروی محرک است، نیرویی که همه چیز را به حرکت در می آورد. این واقعیت حتی در جایی که تمام مسیرهای ما به پایان می رسد و ممکن است امید خود را از دست بدهیم نیز، صادق است. زیرا این نیرو حتی قبرها را نیز در هم می شکند. به همین دلیل نیازی به ترسیدن و مخفی شدن مانند یک ترسو نداریم. هر اتفاقی بیفتد، ما در لوای رحمت او هستیم و به روح ترس اعتقادی نداریم. ما می توانیم از تاریکی خارج شده و خود را نمایان کنیم، ما می توانیم آنچه را که ما را در تاریکی نگه می دارد، کنار زده و در نهایت در کنار یکدیگر قرار بگیریم، حتی اگر خیلی متفاوت باشیم، حتی اگر با یکدیگر مشکل داشته ایم. همه ما با هم استعداد داریم. همه ما باید این مسئله را به وضوح به سمت و سوی یکدیگر سوق دهیم، وقتی صحبت از این است که چگونه می توانیم مسیحیت خود را در کلیسا و جهان شکل دهیم.

زیرا این روح در عین حال روحیه ای عاشقانه هم می باشد. بنابراین او ما را تنها مبارز و شجاع نمی کند، بلکه ما را به یکدیگر نزدیک تر می سازد. وقتی کتاب مقدس از عشق صحبت می کند، در مورد هیچ گونه احساسی شدن نیست. بلکه این احساس نشان از، رغبت به مشارکت در عمل با یکدیگر با پیوندی ناگسستگی سخن دارد. اول از همه، این در مورد تغییر است. ما در همین ماه های اخیر یاد گرفته ایم که از طریق محدودیت های ناشی از همه گیری و ویروس کورونا، اهمیت این مسئله چقدر است. ما باید فاصله خود را حفظ کنیم، دست ندهیم یا حتی یکدیگر را بغل نکنیم. هفته ها حتی بازدید از خانه سالمندان و بیمارستان ها مجاز نبود. اما عشق همیشه راه های خلاقانه ای را جستجو می کند و می یابد که چنین چرخش و تغییری امکان پذیر می باشد. در ابتدا این که شخص مقابلمان را به سادگی بتوانیم درک کنیم و به او نزدیک شده و به او گوش فرا داده و برای درک شخص مقابلمان تلاش کنیم - حتی اگر ممکن است وی را به خوبی نتوانیم درک کنیم. این موضوع در مورد احترام است، در مورد احترام متقابل به دیگری است، حتی اگر در این بین اختلاف نظری نیز داشته باشید، حتی اگر شخصاً بابت رسیدن به این هدف صدمه دیده باشید. این در مورد به اشتراک گذاشتن ترس با دیگری است.

روشن می شود که این عشق در عیسی مسیح چگونه دارای معنی شده است. برای او عشق با دیدن آغاز می شود. او همتای خود را در موقعیت خاص خود درک می کند، به او محبت می کند و اجازه می دهد تا به او نزدیک شود. او به شدت به ما علاقه مند است، به طوری که در بهشت خود نماند، بلکه زندگی ما را به یکدیگر نزدیک کرد و خود را با ما به اشتراک گذاشت. او آرمان و هدف ما را با خود همراه می سازد تا آخرین لحظه. این محبت همانطور که کتاب مقدس معنی می کند عشق است.

در بسیاری از جاها می توانم چیزی از این روحیه عشق را در کلیسای خود درک کنم. بگذارید فقط به همدلی گسترده، مراقبت از یکدیگر، کمک عملی و حمایت مالی اشاره کنم. این روحیه اکنون می خواهد ما را برای یکدیگر و با یکدیگر شکل دهد تا در آینده همه در کنار یکدیگر بایستیم و کنار هم قرار بگیریم.

این "روح عشق" در آسمان شناور نیست، بلکه چیزهای زمینی را هوشیار و حفظ می کند. رسول این را با روحیه تدبیر در اینجا گره زد. او روشن می کند که روح خدا را، شاید بار اول حتی به طور خارق العاده ای نتوانیم احساس کنیم. نان و شراب، آب و کلام و وسایلی هستند که او از طریق آنها خود را به ما متصل می کند. توجه و مراقبت از نشانه های نزدیکی وی به ماست. شما به چشم و گوش باز که غالباً به "حس هفتم" معروف می باشد، نیاز دارید "احساس". این کار، آگاهی و پذیرش محدودیت ها را می طلبد - نه تنها از طرف مددکار، بلکه از طرف فرد نیازمند نیز همین طور. به گفته یک مفسر، تدبیر "عنصر ضروری یک عشق است که می تواند تنش و تضاد میان فداکاری و فاصله با یکدیگر را تحمل کند و متعادل سازد". از این رو کلمه یونانی که در اینجا آمده است نیز می تواند به معنای "خویشترداری" ترجمه شود. راهنمایی و تفکر در کارهایی که انجام می دهیم - به خصوص وقتی فکر می کنیم این کار برای دیگران انجام دهم - نباید خواسته ها و نیازهای خودمان باشد، همین طور روح ترس نیز نباید در من وجود داشته باشد. روح خویشترداری یا تدبیر به ما این امکان را می دهد تا معیار مناسبی برای مراقبت صحیح و تعیین مرزهای لازم پیدا کنیم.

این را می توان به عنوان ارتباط بین روح قدرت و روح عشق تعبیر کرد. روح تدبیر بنابراین روح تأمل بر خداوند است. اگر در خدا تأمل کنم ، خواهم فهمید که در حال حاضر به کدام روح بیشتر نیاز دارم ، روح قدرت یا روح عشق ، در جایی که به موقعیت شفاف و روشن ، مرزبندی و مقاومت نیاز است و همین طور در جایی که همدلی ، محبت و تفاهم نیاز است. روحیه احتیاط شامل خویشتن داری ، آرامش ، تعادل ، دید باز و مرور کلی ، احتیاط و مراقبت است. این شامل خودآگاهی و پذیرش محدودیت های خویش نیز میگردد . چنین احتیاطی نگرشی نسبت به واقعیت است، همانگونه که صرفاً محصول بررسی محتاطانه یا برنامه ریزی استراتژیک نیست. این نگرش هدیه ای است که با روح داده می شود و به ما مسیحیان اعطا می شود.

این روح تدبیر و خرد ما را در رابطه با خدایی که ما را آفریده است ، حفظ می کند و ما را سمت خود خوانده و راهنمایی می کند . این روح ما را در کنار معبود خود ، خداوند ، که بزرگتر از همه تنگی ها و سختی ها و فجایع قریب الوقوع است ، با ثبات تر از همه تغییرات ، پویاتر از همه پایداری ها نگه می دارد. این روح در معاشرت خداوند بزرگتر و مقاوم تر در مقابل همه گناهان ، همه نارسایی ها و کاستی ها ، و حتی بزرگتر از هر چیزی حتی مرگ است. این روح ذهن را از ترس پاک می گرداند، تا بتوانیم واقعیت را ببینیم و بپذیریم و در عین حال غرق آن نشویم. با این حال ، تدبیر به عنوان تأمل در مورد خدا ، می بایست به عنوان نگرشی آرام و باورمندانه نسبت به واقعیت زندگی نیز تمرین شود. و بنابراین تصادفی نیست که از کلمه تدبیر واژه های دشواری چون " در " حواس " ، "تأمل " ، خویشتنداری " نشات گرفته است.

با این روح قدرت ، ما همگی از طریق غسل تعمید مستعد دریافت عشق و تدبیر هستیم . ما نمی توانیم آن را ضبط یا حفظ کنیم. اما خدا می خواهد آن را دوباره در ما تجدید کند وقتی که به ما وعده عشق و وفاداری خود را می دهد ، هنگامی که در کلام خود به ما جهت و هدف می دهد و ما را در راه جهت داده شده قرار می دهد ، هنگامی که اجازه می دهد پذیرش بدون قید و شرط را توسط دریافت نان و شراب تجربه کنیم ، همان هنگام همراه با اینها برکت خود را به ما نیز اعطا می نماید. بنابراین مستعد ، می توانیم زندگی خود را به عنوان مسیحی در کلیسا و جهان شکل دهیم. آمین